

در واقع بدون تمهیدات او و ارتباطات ویژه‌اش، تشکیل این نیرو که بر اساس فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی علیه داعش شکل گرفت، ناممکن یا بسیار دشوار بود. اولین عکس‌ها از حضور سلیمانی در شکست محاصره آمرلی بود مرد میان‌سال که یک لباس خاکی نظامی بدون هیچ درجه و علامتی به تن داشت. روتینز فرماندهی او را علت شکسته شدن محاصره آمرلی دانست. رایان کراکر، سفیر سابق آمریکا در عراق و افغانستان، در مصاحبه‌ای با «بی بی سی» به نقش مهم سلیمانی در هماهنگی نیروهای پشت صحنه مبارزه با داعش در عراق اشاره کرد. او گفت: «طرف‌های ایرانی من گرچه کارکنان وزارت خارجه ایران هستند اما این در نهایت ژنرال سلیمانی است که تصمیمات نهایی را اتخاذ می‌کند. پس از هشت سال اشغال و صرف میلیون‌ها دلار هزینه از سوی آمریکا، اکنون آنها در حال بردن مسابقه در برابر واشنگتن هستند.» بعد از آن بود که خبرهایی مبنی بر نقش سلیمانی در جلوگیری از سقوط اربیل (مرکز دولت خودمختار کردستان عراق) و حفظ جاده ارتباطی بغداد منتشر شد. به گفته ماجد غماس، نماینده مجلس اعلاي اسلامی عراق، با حمله داعش در کردستان عراق، نزدیک بود اربیل سقوط کند. این سلیمانی بود که با مسلح کردن پیشمرگان کرد و مشورت به فرمانده‌های نظامی آنها اربیل را نجات داد. رویدادی که مسعود بارزانی، رئیس حزب دموکرات کردستان عراق هم به آن اعتراف کرد. جعفر مصطفی معروف، فرمانده پیشمرگ‌ها گفت: «زمانی که شهر موصل سقوط کرد، واکنش سریع ایران، فراتر از بمباران‌های آمریکا، باعث شد تا شهر آزاد شود.» سلیمانی تا پیش از جنگ با داعش در اغلب مأموریت‌های خود به صورت مخفیانه شرکت می‌کرد و به صورت عمومی در انظار دیده نمی‌شد اما در جنگ با داعش و در مأموریت جدید خود در برابر دوربین‌ها ظاهر شد و در کنار عراقی‌ها عکس گرفت، عکسی که حامل پیامی آشکار برای غرب بود که تهران تمام و کمال در صحنه حضور دارد.

به اتخاذ سیاست‌های تفرقه افکن مجبور کردند. نوری المالکی نخست‌وزیر وقت عراق، نتوانست مخالفان را مدیریت کند و اقداماتش موجب شد که داعشی‌ها در عراق قدرت بگیرند.

سال ۲۰۰۷، جلال طالبانی، رئیس جمهوری وقت عراق، به پترائوس، اولین فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق خرد داد که از جلسه‌ای با قاسم سلیمانی می‌آید با این پیام از او: «ژنرال پترائوس، شما باید بدانید که من قاسم سلیمانی سیاست ایران را در ارتباط با عراق کنترل می‌کنم و بجز عراق، کنترل سیاست ایران در سوریه، افغانستان و غزه را بر عهده دارم. نکته‌ای که اومی گفت این بود که تو باید با من توافق کنی، برای حل بحران بصره ما باید با هم توافق کنیم.» این پیامی بود که پترائوس در پاسخ به آن گفت: «قاسم سلیمانی فردی بسیار توانمند و مدبر و دشمنی شایسته است. او بازی خود را بخوبی انجام می‌دهد، اما این بازی طولانی است. پس اجازه دهید ببینیم حوادث چگونه پیش می‌رود.»

#### ■ نامه به رهبری و اعلان پایان داعش

فرمانده سپاه قدس ایران در کنار نیروهای سوری حامی بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه هم حضور داشت و عکس‌های بی‌شمار او بار هیران نظامی عراقی وابسته به ایران در نقاط مختلف این کشور منتشر شد. حفظ ثبات سوریه به عنوان متحد استراتژیک ایران، نیازمند مبارزه با تروریسم بود. در پی شروع جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ و مشارکت گسترده نیروی قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی در این جنگ، نام نیروی قدس و فرمانده آن بیشتر از گذشته بر سر زبان‌ها افتاد. جان مگ وایر، افسر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، درباره نبرد القصر در سوریه که منجر به بازپس‌گیری شهر استراتژیک القصر توسط ارتش سوریه شد، گفته بود: «این سردار سلیمانی بود که مستقیماً عملیات را فرماندهی می‌کرد و آن پیروزی بزرگ را رقم زد.» وعده سلیمانی برای نابودی کامل داعش در عملیات آزادسازی «البوکمال» سوریه، آخرین شهر تحت اشغال داعش در سوریه و عراق محقق شد و پایان کاملی بر ۶ سال جنایات داعش در منطقه بود؛ عملیاتی که سلیمانی شخصاً فرماندهی میدانی آن را بر عهده گرفته بود. نبرد

«البوکمال» اهمیت تاریخی در پیروزی علیه داعش داشت. در ۳۰ آبان ۱۳۹۶، سلیمانی که خود را «سرباز صفر ولایت» می‌دانست در نامه‌ای به رهبر انقلاب، رسماً پایان داعش را اعلام کرد. به باور بسیاری از صاحب‌نظران، نیروی قدس تا قبل از فرماندهی سلیمانی نه تا این حد در معادلات منطقه‌ای فعال بود و نه تا این حد در سیاست خارجی ایران نقش داشت. زیرا تا قبل از فرماندهی او نیروی قدس وجود داشت ولی گسترش نقش و جایگاه آن در سیاست خاورمیانه‌ای و منطقه‌ای ایران در دوره فرماندهی سلیمانی بر این نیرو رخ داده بود.

سلیمانی پس از آن نیز هم از نظر طرفداران و هم مخالفانش، مردی کلیدی برای حفظ و گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه محسوب می‌شد. او پس از هر تحول مهم سیاسی و نظامی در عراق، از شکست داعش گرفته تا همه‌پرسی استقلال در کردستان یا تشکیل دولت جدید در بغداد، به عراق سفر می‌کرد تا به بسیج نیروها و ساماندهی اوضاع برای ایران در پشت صحنه سیاست بپردازد. تجارب ارزشند او از حضور در جبهه‌های مختلف زمینی از مرزهای شرقی ایران تا عراق و سوریه و لبنان عملاً او را به نقطه ثقل و مرکز محور مقاومت تبدیل کرده بود. حتی حماس و گردان‌های جهادی فلسطین نیز از رهنمودهای نظامی او بهره‌مند می‌شدند. به این ترتیب شهرت

سلیمانی در سال‌های اخیر افزایشی روزافزون داشت. با آنکه نسبتاً کمتر در مجامع عمومی ظاهر می‌شد، اما هر تصویری از او بخصوص در مناطق جنگی، با سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد و در ستایش از او به زبان فارسی و عربی سرودها ساخته شد.

#### ■ اجتناب از جدال‌های جناحی

در تمام این دوران آنچه سلیمانی را برای همه آحاد مردم ویژه می‌ساخت اجتناب او از قرار گرفتن این پیروزی‌ها در خدمت جدال‌های جناحی و تلاش‌ها برای دوگانه‌سازی میان او و چهره‌های خاص سیاسی کشور بود. سلیمانی در مجامع عمومی و در برابر دوربین‌های رسانه‌های خبری نایستاد مگر زمانی که ضرورتی تاکتیکی و استراتژیک چنین حضوری را اقتضا می‌کرد. شاهد مثالش انتشار تصویر حضوری در شهر «البوکمال» سوریه که نشان می‌داد او شخصاً در نبرد با آخرین مقر داعش حضور داشته است. تصویری که از انتشار هر ادعای گزافه‌ای برای سهم داشتن نیروهای آمریکایی در مبارزه واقعی علیه داعش جلوگیری می‌کرد. چنین بود که رسانه‌های جهان پایان داعش را با نامه‌ای به قلم فرمانده بزرگ ایران، تحت عنوان انتقام از تروریست‌ها مخابره کردند. سلیمانی برخلاف بسیاری دیگر از هم‌زمانانش، کمتر وارد درگیری‌های سیاسی - جناحی می‌شد و اظهار نظر‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی‌اش را به حداقل می‌رساند. زمانی که او در جریان خاکسپاری مادرش در تهران در شهر پیروز ۱۳۹۲ ظریف را در آغوش گرفت، نشان داد تا چه اندازه با دیپلمات نام‌آشنای ایرانی را رابطه نزدیکی دارد. او نخستین کسی بود که وقتی ظریف سال گذشته هدف تحریم‌های دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا قرار گرفت، خود را به محل وزارت خارجه ایران رساند و از او دلجویی کرد. سلیمانی رسماً و به صراحت اعلام کرده بود که متولی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فقط و فقط وزارت خارجه است. هنگامی هم که ظریف به دلیل ناراحتی از سفر هماهنگ نشده بشار اسد به تهران به طور ناگهانی استعفا داد و همه تصور می‌کردند این استعفا بر آمده از یک اختلاف ناشی از دوگانه ظریف و سلیمانی